

حضرت عسکری طلایه دار عبادت و عرفان - قسمت دوم

<"xml encoding="UTF-8?">

عبادت، ستایش و عشق به معبود همواره در فطرت همه انسانها وجود دارد و آنان در کوران حوادث و در هنگام بروز پیشامدهای سخت و مشکلات طاقت فرسای زندگی، از این موهبت فطری خویش بهره می گیرند؛ به این جهت در همه ادیان و مذاهب برای عبادت جایگاه ویژه و آداب و رسوم خاصی منظور شده است . اما از آنجایی که برخی از انسانها راه و روش عبادت صحیح را نمی دانند و گاهی در این وادی راه خطا می پویند، خداوند متعال انبیا و اولیای خویش را مامور نموده است که راه صحیح عبادت، لوازم و آثار و موانع آن را به آحاد بشر بیاموزند و راه و روش عشق ورزیدن به معبود حقیقی را به آنان نشان دهند .

در بخش نخست این نوشتار که به مناسبت شهادت امام حسن عسکری علیه السلام در ماه ربیع الاول ارائه گردید، با گوشه هایی از سیره و سخن آن حضرت در زمینه عبادت و عرفان آشنا شدیم، در اینجا نیز به نقل و توضیح فرازهایی دیگر از رهنمودها و رفتارهای عبادی آن حجت الهی می پردازیم:

مناجاتهای دلنواز

سالکان حقیقت طلب و نیایشگران عاشق، صفای باطن و راحتی روح بلند خود را در مناجاتهای شبانه و خلوتهای عارفانه با حضرت دوست می دانند . آنان آرام جان غمناک و شفای دل دردناک خویش را در راز و نیاز با پروردگار عالمیان می یابند و چاره حل همه مشکلاتشان را به دست او می بینند . این عارفان بلند همت هرگز راحتی خود را جز در رضای حضرت حق نمی طلبند و پیوسته در زیر لب زمزمه می کنند:

خاک درت بهشت من / مهر رخت سرشت من

عشق تو سرنوشت من / راحت من رضای تو

امام عسکری علیه السلام در یک سخن عارفانه ای فرمود: «من انس بالله استوحش من الناس؛ (1) هر کس با خداوند متعال انس بگیرد، از مردم وحشت می کند .»

همچنان که مولای عارفان علی علیه السلام چنین بود؛ هنگامی که معاویه از ضرار بن ضمیره لیثی [یکی از یاران باوفا و از عاشقان علی علیه السلام] در مورد حالات امیرمؤمنان سؤال نمود، او در فرازی از پاسخ خود حالات امام را چنین توصیف کرد: «یستوحش من الدنيا وزهرتها ویستانس بالیل ووحشته؛ (2) علی علیه السلام از [دلبستگی] به دنیا و مظاهر آن وحشت می نمود و با شب و وحشت آن کاملاً مانوس بود .»

ناگفته پیداست که منظور از انس با خدا و دوری از مظاهر غیرخدایی، گوشه گیری، انزواطلبی و رهبانیت نیست، بلکه منظور خلوت با پروردگار عالمیان می باشد که سرچشمه تمام نیکیها، زیباییها و قدرتهاست . اساسا هر عمل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در ارتباط با مردم که در راستای رضایت حضرت حق انجام می گیرد، نوعی انس با خداوند و امری پسندیده و موجب خشنودی خداوند متعال خواهد بود .

امام حسن عسکری علیه السلام در فرازهایی از مناجات دلنشین خود با آفریدگار جهان هستی، چنین راز و نیاز می‌کند: «یا من مواعیده صادق، یا من ایادیه فاضله، یا من رحمته واسعة، یا غیاث المستغیثین، یا مجیب دعوة المضطربین، یا من هو بالمنظر الاعلی، وخلقہ بالمنزل الادنی . . . فصل علی محمد وآله واهدنی من عندک وافض علی من فضلك وانشر علی من رحمتک وانزل علی من برکاتک انک انت الرب الجلیل وانا العبد الضعیف وشتان ما بیننا یا حنان یا منان، یا ذالجلال والاکرام؛ (3) ای خدایی که در وعده هایش راستگوست! ای آفریدگاری که نعمتهایش افزون است! ای کسی که سایه رحمتش گسترده است! ای دادرس دادخواهان! ای اجابت کننده دعای بیچارگان! ای کسی که در بالاترین مرتبه قرار داری و آفریده هایت در پایین ترین منزل جای دارند! . . . بر محمد و آل او درود فرست و مرا خودت هدایت کن و فضل خودت را بر من افاضه کن و رحمت خود را بر من فراگیر ساز و برکات خودت را بر من نازل گردان، همانا که تو پروردگار بزرگ هستی و من بنده ضعیف و ناتوان؛ و چقدر تفاوت است بین من و تو، ای خدای مهربان و بخشاینده و ای صاحب جلالت و بزرگواری.»

دستورالعمل های عرفانی

حضرت عسکری علیه السلام در رهنمودها و دستورالعمل های مختلفی مردم را به رفتارهای انسانی و سلوک معنوی دعوت می نمود. آن بزرگوار گاهی در نامه های خصوصی و عمومی مطالب خویش را به مشتاقان حقیقت عرضه می داشت. یکی از دستورالعمل های امام عسکری علیه السلام که برای جویندگان سعادت بویژه شیعیان راهگشا و قابل تامل است، رهنمود آن حضرت در ضمن نامه ای به اسحاق بن اسماعیل نیشابوری (4) از اصحاب مورد اعتماد آن وجود گرامی است؛ پیشوای یازدهم در فرازی از آن رهنمود چنین می نگارد: «فاعلم یقینا یا اسحاق! انه من خرج من هذه الدنيا اعمی فهو فی الآخرة اعمی واضل سبیلا، یابن اسماعیل! لیس تعمی الابصار ولكن تعمی القلوب التي فی الصدور، وذلك قول الله فی محکم کتابه (5) حکایة عن الظالم اذ یقول «رب لم حشرتني اعمی وقد كنت بصیرا قال كذلك اتتك آیاتنا فنسیتها وكذلك الیوم تنسی» (6)؛ ای اسحاق! یقینا بدان هر کس از این دنیا نابینا [و گمراه] رود او در آخرت نیز نابینا و گمراه خواهد بود. ای پسر اسماعیل! مقصود از نابینایی، کوری چشم نیست، بلکه قلبهایی که در اندرون سینه ها قرار دارد کور می شوند و این همان سخن پروردگار متعال است که در کتاب محکم خویش از زبان ستمگری حکایت می کند که وی [هنگامی که روز قیامت نابینا محشور می شود با اعتراض به خداوند] می گوید: «خداوند! چرا مرا نابینا محشور کردی، در حالی که در دنیا بینا بودم. خداوند می فرماید: همچنان که در دنیا آیات ما به تو رسید و آنها را به فراموشی سپردی، همینطور امروز تو از فراموش شدگانی.»

دستاورد عبادت

سلوک عرفانی و عبادت، انسان را به سوی کمال مطلق سوق می دهد و به همین جهت می تواند دستاوردها و آثار مثبت فراوانی را در زندگی انسان در پی داشته باشد. عظمت روحی، تعالی روانی و فکری، آثار جسمی، رفتاری و اجتماعی، مهار هوا و هوس، قویت باورهای توحیدی، ترقی نیروی ادراکی و معرفتی، توسعه افق فکر و اندیشه انسان، بخشی از آثار عبادت راستین در پیشگاه آفریدگار هستی است.

مردان بزرگی در عالم، راز موفقیت های بی شمار خود را در پرتو همین رفتار معنوی جستجو می کردند. یکی از مهم ترین شخصیتها که از افتخارات دنیای اسلام به شمار می آید، دانشمند پر آوازه ایرانی، شیخ الرئیس ابوعلی سینا

است .

او دارای نبوغ فوق العاده و صاحب اندیشه های ارزشمندی بود و آن چنان در کسب علم و دانش پیشرفت نمود که در دوران نوجوانی سرآمد دانشوران عصر، در تمام علوم رایج زمان خود گردید و از اساتید معاصر بی نیاز شد . بو علی سینا با همه موفقیتها و موقعیتهایی که در زندگی نصیبش شده بود، راز حل مشکلاتش را در عبادت و عبادتگاهها می جست .

او در خاطرات خود آورده است: «شب و روز جز به تحصیل علم به چیز دیگری نمی اندیشیدم و به غیر از فهمیدن به چیز دیگری توجه نداشتیم، و به همین طریق پیش می رفتم، تا اینکه حقیقت هر مسئله ای برای من مسلم می شد و هرگاه در مسئله ای حیران بودم و یا نمی توانستم قضیه را بفهمم، به مسجد پناه می بردم، نماز می گزاردم و خالق هستی را ستایش می کردم، در این حال معمای من حل و مشکل برطرف می شد . (7) » در اینجا به یکی از مهم ترین آثار عبادت در زندگی حضرت عسکری علیه السلام می پردازیم:

پیوند با ابدیت

انسانهای وارسته با دست یابی به مقام اطاعت و عبادت، از قید و بند اسارتها و بردگیهای درونی و برونی رهایی یافته، به قله های رفیع عظمت روحی و آزادی حقیقی می رسند . بندگان راستین حق که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیه السلام در راس آنها قرار دارند، با ساییدن پیشانی خضوع در برابر قدرت لایزال حضرت باری تعالی به درجاتی از عظمت و شکوه دست می یابند که هرگز در مقابل الهه شرک و کفر و مظاهر مادی و رهبران زر و زور و تزویر، ذره ای احساس شکست و تحقیر و ترس نمی کنند و به غیر از خداوند عالمیان فرمانروایی را نمی شناسند و فقط خداوند در منظر آنان بزرگ و غیر خدا کوچک می نماید و اینجاست که به ابدیت پیوسته و مشمول خطاب خداوندی می شوند که: «عبدی اطعنی اجعلک مثلی، انا حی لا اموت اجعلک حیا لا تموت، انا غنی لا افتقر اجعلک غنیا لا تفتقر، انا مهما اشاء یکون اجعلک مهما تشاء یکون؛ (8)

بنده من! مرا اطاعت کن تا تو را جلوه ای از خودم قرار دهم، من زنده و ابدی هستم تو را نیز زنده و ابدی گردانم، من غنی بی نیاز هستم تو را نیز غنی گردانم، که نیازمند نباشی، من هر چه بخواهم انجام می شود تو را نیز چنین قرار دهم که هر چه بخواهی انجام شود .»

حضرت عسکری علیه السلام نمونه بارزی از چنین بندگان شایسته و ممتاز الهی بود که خداوند نیز همه چیز را در اختیار او نهاده و مطیعش گردانیده بود . به چند گزارش در این زمینه توجه کنید:

1 . هنگامی که آن وجود گرامی را به یک زندانبان خشن و قسی القلب به نام نحیر سپردند، آن مرد ستم پیشه طبق دستور سرکردگان خود بر آن حضرت سخت گرفت و از آزار و اذیتش ذره ای فرو گذاری نکرد . همسر نحیر وی را از این عمل باز داشته و با یادآوری مراتب عبادت ، اطاعت و پرهیزگاری امام، شوهرش را از عاقبت شوم اذیت و شکنجه حضرت عسکری علیه السلام ترسانیده، پیوسته سعی می کرد که از فشارهای نحیر بر امام علیه السلام بکاهد؛ اما سخنان وی نه تنها در آن زندانبان زشت سیرت هیچ گونه تاثیری نداشت، بلکه وی تصمیم گرفت حضرت امام حسن علیه السلام را به قتل برساند . او بعد از اجازه از اربابان ستمگر خود، امام را در «بركة السباع» و در میان حیوانات درنده و وحشی رها ساخت و هیچ گونه تردیدی نداشت که آن حضرت به ست حیوانات وحشی کشته خواهد شد؛ اما بعد از لحظاتی به همراه همکارانش مشاهده کرد که امام عسکری علیه السلام در گوشه ای به نماز ایستاده و حیوانات وحشی گرداگرد حضرت با کمال خضوع و احترام سر به زیر انداخته اند . در

اینجا بود که امام را فوراً از آن محل بیرون آوردند و به منزلش بردند . (9)

در زیارت آن حضرت با اشاره به این واقعه مهم چنین می خوانیم: «وبالامام الثقة الحسن بن علی علیه السلام الذی طرح للسباع فخلصته من مرابضها؛ (10)

[خدایا تو را] به حق امام مورد اعتمادت، حضرت حسن بن علی عسکری علیه السلام که در میان درندگان افکنده شد و تو او را از میان حیوانات وحشی نجات دادی .»

2 . محمد بن اسماعیل علوی می گوید: «امام عسکری علیه السلام را زمانی در نزد علی بن اوتامش (11) که یکی از دشمنان سرسخت آل محمد صلی الله علیه وآله بود، زندانی کردند . او مردی زشت خو و بدسیرت [بود] و با خاندان علی علیه السلام عداوتی دیرینه داشت . از طرف خلیفه به او دستور داده بودند که هر چه می تواند امام علیه السلام را اذیت کند و بر او سختگیری نماید . اما ابهت، هیبت و جلالت امام علیه السلام و حالات عرفانی و معنوی آن حضرت چنان آن مرد شقاوت پیشه را متحول کرد - باینکه حضرت عسکری علیه السلام بیش از یک روز در زندان او نبود - که صورت خود را به احترام حضرتش بر خاک می نهاد و سر خود را بالا نمی گرفت، و همراهی یک روزه این مرد با پیشوای یازدهم، رفتار و گفتارش را عوض نمود و حضرت عسکری علیه السلام را در منظر او نیک ترین مردم قرار داد . (12) »

3 . احمد بن خاقان در مورد عظمت روحی و جاذبه وصف ناپذیر حضرت عسکری علیه السلام می گوید: «در شهر «سر من رای » هیچ کس از علویان راهمچون حسن بن علی بن محمد بن الرضا، نه دیدم و نه شناختم . در وقار، سکوت، عفاف، بزرگواری و کرامت در میان خاندانش و نیز در نزد سلطان و تمام بنی هاشم همتایی نداشت . از هیچ یک از بنی هاشم، سران سپاه، نویسندگان، قاضیان، فقیهان، دبیران، وزیران، فرماندهان و دیگر افراد، درباره حسن بن علی سؤالی نکردم، مگر آنکه او را نزد آنان در نهایت بزرگی و ارجمندی یافتیم . مقام بلند، سخنان نیک، اطاعت و عبادت و معنویت، احترام در میان فامیل و سایر بزرگان، از جمله ویژگیهایی بود که من از زبان آنان در ستایش حسن بن علی شنیدم . بعد از این، ارزش و مقام وی در نظرم بزرگ آمد و فهمیدم که دوست و دشمن او را به دیده احترام می نگرند و می ستایند . (13) »

و این همه تکریم و عزت نفس بخاطر عبادت و اطاعت و خضوع آن حضرت در برابر حق بود . همچنان که خودش فرمود: «ما ترک الحق عزیز الا ذل ولاخذ به ذلیل الا عز؛ (14)

هیچ عزیز [و صاحب شوکتی] از حق فاصله نگرفت، مگر اینکه خوار شد و هیچ خوار [و کوچکی] به حق نپیوست، مگر اینکه عزیز [و گرامی] شد .»

عبادت و تفکر

عبادت کننده ای که در طول زندگی از قوه تفکر و نیروی عقلانی خود بهره نگیرد، از اعمال معنوی و عبادت‌های خویش سود چندانی نخواهد برد؛ چرا که ارزش و مراتب عالی اعمال، بستگی به معرفت هر شخص نسبت به معبود خود دارد و معرفت نیز حاصل نمی شود، مگر اینکه انسان با دیده عقل و اندیشه و دلی بیدار در قدرت و شکوه لایزال آفریدگار هستی بنگرد و در زوایای حیرت انگیز و شگفت آور این جهان با عظمت و آفریده های متنوعی که در گستره این عالم پهناور، طبق نظم خاص خود حرکت می نمایند و به دنبال اهداف خاصی سیر می کنند، بیندیشد .

عبادتی که توأم با معرفت باشد، هیچ گاه غرور آور نخواهد بود؛ بلکه هر چقدر شناخت و معرفت به معبود بالاتر

رود، خضوع و تواضع در عبادت مضاعف گردیده، احساس لذت انس بیشتر خواهد شد و اینجاست که عبادت کنندگان با معرفت به همراه سرور و زینت عبادتگران، حضرت زین العابدین علیه السلام این زمزمه را سر خواهند داد که: «سبحانک ماعبدناک حق عبادتک؛ (15)

معبودا! تو پاک و منزهی، ما حق عبادت تو را بجای نیاوردیم.»
با توجه به این نکات، گفتار خردمندانه حضرت عسکری علیه السلام را باید به دقت به گوش جان سپرد که فرمود:
«لیست العبادة كثرة الصيام و الصلوة وانما العبادة كثرة التفكير فی امر الله؛ (16)
عبادت [کامل] به بسیاری روزه و نماز نیست، همانا عبادت تفکر بسیار در امر خداوند است.»

پی نوشت ها :

- (1) عدة الداعي، ص 194؛ شمس الضحی، ص 594 .
- (2) عده الداعي، ص 195 .
- (3) مصباح المتهجد، ص 227؛ مهج الدعوات، ص 277 .
- (4) اسحاق بن اسماعیل نیشابوری از بزرگان شیعه و از محدثین مورد اطمینان در نزد ائمه اهل بیت علیهم السلام بود . امام عسکری علیه السلام در تجلیل از مقام وی فرمود: «فاتم الله یا اسحاق علی من کان مثلك - ممن قد رحمه الله وبصره بصیرتک - نعمته، وقدر تمام نعمته دخول الجنة؛ ای اسحاق! خداوند نعمت خود را برای هر کسی که مثل توست - که خدا به او مهر ورزیده و همچون تو او را بینایش گردانیده - کامل گرداند و تمام نعمت خود را با بهشت رفتن مقدر فرماید.» (مهج الدعوات، ص 63 - 67)
- (5) طه/125 و 126 .
- (6) تحف العقول، ص 484؛ معجم رجال الحديث ج 3، ص 222 .
- (7) زندگی ابوعلی سینا، ص 29 .
- (8) الجواهر السنية، ص 361 .
- (9) الارشاد، ج 2، ص 334؛ شمس الضحی، ص 595 .
- (10) مفتاح الفلاح، ص 176؛ بحارالانوار، ج 83، ص 354 .
- (11) در کافی نام این مرد علی بن نارمش ثبت شده است .
- (12) کشف الغمه، ج 3، ص 286؛ اصول کافی، باب مولد ابی محمد الحسن بن علی علیه السلام، حدیث 8 .
- (13) الارشاد، ج 2، ص 321؛ اصول کافی، باب زندگانی امام عسکری علیه السلام حدیث اول .
- (14) تحف العقول، ص 489 .
- (15) صحیفه سجادیه، ص 35 .
- (16) تحف العقول، ص 488 .